

تفسیر سورہ

مجر

سیمای سوره فجر

این سوره سی آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام آن برگرفته از آیه اول و به معنای سپیدم دم است. همانند دیگر سوره‌های مکی، آیات آن، کوتاه و کوبنده و انذار دهنده است. این سوره بخش‌های متعددی دارد که با سوگند به زمان‌هایی همچون شب، سحر و سپیده دم آغاز می‌شود و با اشاره به سرگذشت اقوامی طغیان‌گرو سرکش ادامه می‌یابد.

سنت آزمایش و ابتلا از سوی خداوند و عکس‌العمل‌های متفاوت انسان در برابر آن و همچنین حضور انسان در دادگاه قیامت و اظهار حسرت و پشیمانی ناپاکان و ابراز خشنودی در رضایت‌پاکان، ادامه آیات این سوره را تشکیل می‌دهد.

در روایات می‌خوانیم که سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب بخوانید، زیرا که آن سوره حسین بن علی علیه السلام است.^(۱)

۱. تفاسیر نور الثقلین و صافی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ وَالْفَجْرِ ﴿۲﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿۳﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿۴﴾ وَاللَّيْلِ

إِذَا يَسِرُّ ﴿۵﴾ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حَجْرِ

(۱) به سپیده دم سوگند. (۲) به شبهای ده گانه سوگند. (۳) به زوج و فرد

سوگند. (۴) به شب سوگند آنگاه که سپری شود. (۵) آیا (در این سوگندها)

برای اهل خرد، سوگندی مهم نیست؟

نکته‌ها:

□ «فجر» به معنای شکافتن است و مراد از آن، شکافتن تاریکی با سپیده دم است که زمان مقدّس و با ارزشی است و در آن هنگام، جنبنده‌ها به تکاپو می‌افتند و صبح و روز تازه‌ای را آغاز می‌کنند.

در حدیثی مراد از فجر را حضرت مهدی علیه السلام دانسته «الفجر هو القائم علیه السلام» که شب تاریک ظلم و فساد، به صبح قیام آن حضرت برچیده خواهد شد.^(۱)

□ «حجر» به معنای منع و مراد از آن عقل است که انسان را از کار خلاف منع می‌کند. چنانکه «محجور» به معنای ممنوع التصرف است.

□ در روایات، برای «شفع» به معنای زوج و «وتر» به معنای فرد، مصادیق زیادی گفته شده است، از جمله اینکه مراد از وتر، روز نهم ذی‌الحجه (روز عرفه) و مراد از شفع روز دهم

۱. تفسیر برهان.

ذی الحجه (عید قربان) است و یا مراد از شفع، دو کوه صفا و مروه است و مراد از وتر، کعبه که یکی است. و یا مراد از وتر، خداوند یکتا و مراد از شفع، مخلوقات اند که همه جفت و زوج هستند، یا مراد نماز مستحبی شفع و وتر است که در سحر خوانده می شود و یا مراد از شفع، روز نهم و دهم ذی الحجه و وتر، شب مشعر است.^(۱)

□ زمان خیلی ارزشمند و بلکه مقدّس است و نباید آن را بیهوده از دست دهیم. خداوند به تمام بخشهای زمان سوگند یاد کرده است؛

﴿وَالصُّبْحُ﴾^(۲) به صبح سوگند، ﴿وَالضُّحَى﴾^(۳) به چاشت سوگند، ﴿وَالنَّهَارُ﴾^(۴) به روز سوگند، ﴿وَالْعَصْرُ﴾^(۵) به عصر سوگند.

جالب آنکه به سحر سه بار سوگند یاد کرده است؛ ﴿وَاللَّيْلُ إِذَا يَسِرُّ﴾^(۶)، ﴿وَاللَّيْلُ إِذَا عَسَسُ﴾^(۷)، ﴿وَاللَّيْلُ إِذَا أَدْبَرَ﴾^(۸) (به شب سوگند آنگاه که رو به آخر می رود، یعنی به هنگام سحر سوگند).

□ مراد از ﴿لَيْلِ عَشْرِ﴾، یا ده شب آخر ماه مبارک رمضان است که شبهای قدر در آن قرار گرفته و یا ده شب اول ماه ذی الحجه است که روز عرفه و عید قربان را شامل می شود.

پیام ها:

- ۱- زمان، مقدّس و قابل سوگند است. ﴿وَالفَجْرُ﴾
- ۲- بعضی ایام از قداست ویژه ای برخوردار است. ﴿وَلَيْلِ عَشْرِ﴾
- ۳- ساعات پایان شب که سالکان در آن سیر معنوی دارند، از قداست خاصی برخوردار است. ﴿وَاللَّيْلُ إِذَا يَسِرُّ﴾
- ۴- مخاطبان قرآن، اهل خردند. ﴿لَذَى حَجْرٍ﴾

۱. تفسیر نور الثقلین.	۲. مدثر، ۳۴.	۳. ضحی، ۱.
۴. شمس، ۳.	۵. عصر، ۱.	۶. فجر، ۴.
۷. تکویر، ۱۷.	۸. مدثر، ۳۳.	

﴿۶﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿۷﴾ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿۸﴾ أَلَّتِي لَمْ
يَخْلُقْ مَثَلَهَا فِي الْبِلَادِ ﴿۹﴾ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ
﴿۱۰﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿۱۱﴾ الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ
﴿۱۲﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿۱۳﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ
عَذَابٍ ﴿۱۴﴾ إِنَّ رَبَّكَ لِبَالِمٍ صَادٍ

(۶) آیا ندیدی که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ (۷) همان قوم (ارم، شهری) که دارای بناهای ستون دار بود. (۸) (بناهایی) که مانندش در دیگر شهرها ساخته نشده بود. (۹) و با قوم ثمود که در وادی خود تخته سنگها را (برای ساختن خانه) می‌بریدند. (۱۰) و با فرعون، صاحب قدرت و سپاه عظیم. (۱۱) آنها که در شهرها طغیانگری کردند. (۱۲) و در آن، فساد و تباهی افزودند. (۱۳) پس پروردگارت تازیانه عذاب بر آنان فرود آورد. (۱۴) همانا پروردگارت در کمین‌گاه است.

نکته‌ها:

- قوم عاد دو گروه بودند؛ عاد قدیم و جدید به دلیل آیه ﴿عَادِ الْاُولٰٓئِ﴾، که بعد از حضرت نوح در منطقه احقاف زندگی می‌کردند و دارای هیكل‌هایی بزرگ و قدرتی عظیم و شهرهایی آباد بودند.
- «إِرْم» یا نام دیگر قبیله عاد است یا نام شاخه‌ای از قوم عاد و یا نام منطقه‌ای که قوم عاد در آن زندگی می‌کردند که ساختمان‌هایشان دارای ستون‌هایی بزرگ و بلند بوده است. بعضی ارم را ساختمان شداد و بعضی ساخته اسکندر در اسکندریه دانسته‌اند.
- «صَّخْر» جمع صخره به معنای سنگهای بزرگ و سخت است و «واد» به فاصله میان کوه و تپه گفته می‌شود.
- «عماد» به معنای ستون یا ساختمان بلند است و «ثمود» به اعراب ما قبل تاریخ گویند که در شمال عربستان ساکن بودند قوم که پیامبر آنها حضرت صالح بود.
- «جابوا»، به معنای بریدن سنگ است و کلمه «جواب» که از این ریشه است، به معنای

قطع سؤال با پاسخ صحیح است.

- ظاهراً قوم ثمود بعد از قوم عاد بوده‌اند که نامشان بعد از آنها برده شده است.
- قهر بر عاد و ثمود نمونه‌ای از در کمین بودن خداوند نسبت به ستمکاران است.
- خداوند در کمین است، یعنی خلافاً کاران راه گریز ندارند و به طور ناگهانی گرفتار می‌شوند.
- استحکام ساختمان‌ها مانع قلع و قمع الهی نیست و به خاطر محکمی ساختمان نباید از قهر خداوند احساس امنیت کرد.
- مقصود از «ذو الاوتاد» یا آن است که پایه‌های حکومت فرعون محکم بود یا آنکه مخالفان خود را می‌خکوب می‌کرد و یا آنکه سپاه فراوان داشت.
- کلمه «صَبَّ» به معنای ریختن است، تعبیر بارش عذاب، شاید کنایه از عذاب پی‌درپی و مداوم باشد.^(۱)
- چگونه خداوند در کمین نباشد در حالی که او از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است؟ ﴿و نحن اقرب الیه من حبل الوريد﴾^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- تاریخ قلع و قمع متجاوزان را فراموش نکنید. ﴿الم تر﴾
- ۲- نابود کردن طغیانگران جلوه ربوبیت خداوند است. ﴿فعل ربك بعاد﴾ به قول سعدی: ترحم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر گوسفندان
- ۳- نشانه خرد و عقل، عبرت گرفتن از تاریخ است. ﴿لذی حجر الم تر کیف فعل ربك﴾
- ۴- پیامبر اکرم ﷺ توسط وحی از تاریخ قوم عاد و ثمود و فرعون آگاهی داشت. ﴿الم تر﴾
- ۵- تاریخ استفاده از ستون‌های سنگی در معماری، به قوم عاد می‌رسد. ﴿ارم ذات العباد﴾
- ۶- ابتکار در معماری با استفاده از سنگ، در آن قوم عاد بوده است. ﴿لم یخلق مثلها﴾

۱. تفسیر راهنما.

۲. ق، ۱۶.

فی البلاد﴿

۷- اختلاف و تضاد فکری، مانع از بیان هنر و ابتکارات دیگران نشود. ﴿لم یخلق

مثلها فی البلاد﴾

۸- قدرت بدون معنویت، عاملی است برای برهم زدن امنیت. ﴿جابوا الصخر...ذی

الواتاد...طغوا فی البلاد﴾

۹- طغیانگر و طغیان مرز نمی شناسد. ﴿طغوا فی البلاد﴾ (مراد از بلاد، همه مناطقی

است که به آن دسترسی داشتند)

۱۰- سرچشمه تباهی و فساد طاغوتها هستند. ﴿طغوا فی البلاد فاکثروا فیها الفساد﴾

۱۱- تمدن و پیشرفت، اگر همراه با تقوی و صلاح نباشد عامل سقوط و هلاکت

است. ﴿فصب علیهم ربک سوط عذاب﴾

۱۲- مری، گاه برای تنبیه، نیاز به شلاق دارد. ﴿ربک سوط﴾

۱۳- طغیان و فساد جز با قهر بر طرف نمی شود. ﴿طغوا... سوط عذاب﴾

۱۴- مهلتها شما را مغرور نکند که خدا در کمین است. ﴿ان ربک لبالمرصاد﴾

۱۵- کيفر دنیوی نسبت به عذاب اخروی همچون تازیانه‌ای است که درد آن

موقت و آثارش سطحی است و تنها بر پوست می ماند. ﴿سوط عذاب﴾

﴿۱۵﴾ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّيَ

أَكْرَمَنِي ﴿۱۶﴾ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّيَ

أَهَانَنِي ﴿۱۷﴾ كَلَّا بَلْ لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿۱۸﴾ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ

طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿۱۹﴾ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿۲۰﴾ وَتُحِبُّونَ

الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

(۱۵) اما انسان، (طبعش چنین است که) هرگاه پروردگارش او را بیازماید و

گرامیش داشته و نعمتش دهد، (مغرور گشته و) می گوید: پروردگارم مرا گرامی

داشته است. (۱۶) ولی هرگاه او را بیازماید و روزی او را تنگ سازد، می گوید:

پروردگارم مرا خوار کرده است. (۱۷) این چنین نیست؛ بلکه شما یتیم را گرامی نمی‌دارید. (۱۸) و یکدیگر را بر اطعام بینوایان ترغیب نمی‌کنید. (۱۹) و میراث را (به حق و ناحق) یکجا می‌خورید. (۲۰) و مال را بسیار دوست دارید.

نکته‌ها:

- «اکرام» اگر منسوب به لطف خدا شد، خوب است ولی اگر آن را منسوب به لیاقت خود دانستیم بد است. در این آیات دو بار کلمه اکرام آمده است: اکرام اول، چون به خدا منسوب است در مقام کمال است ﴿اکرمه﴾ اکرام دوم چون به انسان منسوب است سرزنش شده است. ﴿اکرمین﴾ جالب اینکه قرآن اکرام را به خدا نسبت داده ﴿اکرمه﴾ ولی اهانت را به خدا نسبت نداده است، بلکه این انسان است که می‌گوید: ﴿اهانت﴾
- ﴿أَكَلًا لَّمًّا﴾ یعنی یکجا خوردن، بدون دقت در این که حلال است یا حرام و آیا مال دیگران به آن اضافه شده یا نه. «لَمًّا» مصدر «لَمَّت» به معنای جمع و ضمیمه کردن است.
- «جَمًّا» به معنای زیاد و انباشته است.
- رسول خدا ﷺ فرمود: من و کسی که یتیم را تحت تکفل خود قرار دهد، در بهشت در کنار هم هستیم. (۱)
- یکی از سنت‌ها و برنامه‌های قطعی خداوند، آزمایش مردم است؛ البته نه برای شناختن، بلکه برای ظهور خصلت‌ها و بروز تلاش‌ها تا بر اساس آن اجر و پاداش دهد. آزمایش‌های الهی گوناگون است، گاهی با رفاه و ثروت انسان را آزمایش می‌کند و گاهی با تنگدستی و مشکلات. ولی انسان عجز که از آزمایش الهی و اهداف آن غافل است، دست به قضاوت‌ها و تحلیل‌ها و تفسیرهای غلط زده و از خداوند گلایه می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- آزمایش‌های الهی، جلوه‌ای از در کمین بودن پروردگار نسبت به انسان است. ﴿أَنَّ رَبَّكَ لَبَلْرَصَادٍ فَمَا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ...﴾

- ۲- آزمایش، وسیله تربیت و رشد انسان است. ﴿الانسان ابتلاه ربّه﴾
- ۳- دریافت‌های انسان بر اساس لطف اوست نه استحقاق ما. پس گرفتار غرور و عجب نشده و از آزمایش غفلت نکنید. ﴿اکرمه و نعمه﴾
- ۴- نه فقر نشانه اهانت است و نه دارایی نشانه کرامت؛ بلکه هر دو وسیله آزمایش است. ﴿ابتلاه... فاکرمه، ابتلاه فقدر علیه رزقه﴾
- ۵- مهمتر از جسم یتیم روح اوست که باید گرامی داشته شود. ﴿تکرمون﴾
- ۶- کمبودهای روحی را با احترام و محبت جبران کنید. (اولین انتظار یتیمان احترام به شخصیت آنان است) ﴿تکرمون الیتیم﴾
- ۷- در مورد کارهای خداوند، قضاوت نابجا نکنید. دلیل تنگی رزق را بی‌اعتنائی خداوند نپندازید، بلکه نتیجه عملکرد خودتان بدانید. ﴿کلاً بل لا تکرمون الیتیم﴾
- ۸- احسان به دیگران، در رزق و روزی انسان نقش مهمی دارد. ﴿لا تکرمون - فقدر علیه رزقه﴾
- ۹- بینوایان نباید گرسنه بمانند. یا با انفاق خود، یا با تشویق دیگران باید به آنان رسیدگی کرد. ﴿تحاضون علی طعام المسکین﴾
- ۱۰- در درآمدهای خود دقت کنید؛ هر نانی مصرف کردنی نیست. ﴿اکلاً لماً﴾
- ۱۱- علاقه به مال فطری است، آنچه مذموم است، علاقه شدید است ﴿حُبّاً جمّاً﴾
- ۱۲- تکریم خداوند از شما، باید سبب تکریم شما از یتیمان باشد، نه عکس آن. ﴿اکرمه... لا تکرمون﴾

﴿۲۱﴾ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿۲۲﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا
 صَفًّا ﴿۲۳﴾ وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى
 لَهُ الذِّكْرَى ﴿۲۴﴾ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿۲۵﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا
 يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿۲۶﴾ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ

(۲۱) چنان نیست، (که می‌پندارید، بلکه) آنگاه که زمین به شدت درهم کوبیده شود. (۲۲) و (فرمان) پروردگارت با فرشتگان صف در صف فرارسد. (۲۳) در آن روز دوزخ را حاضر کنند، در آن روز انسان متذکر شود ولی این تذکر چه سودی برایش دارد؟ (۲۴) (در آن روز انسان) می‌گوید: ای کاش برای زندگی (امروز) چیزی از پیش فرستاده بودم. (۲۵) پس در آن روز هیچکس به مانند عذاب او عذاب نکند. (۲۶) و هیچکس چون به بند کشیدن او، در بند نکشد.

نکته‌ها:

- «دک» به معنای کوبیدن و هموار کردن است و دکّه و دکّان جایی است که برای عرضه اجناس، زمین آن هموار و مهیا می‌شود.
- امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از «جاء ربُّک» آمدن فرمان پروردگار است (نه آمدن خود پروردگار).^(۱) چنانکه در آیه ۳۳ سوره نحل می‌فرماید: «یأتی امر ربِّک» فرمان پروردگارت می‌آید.
- مراد از «و جییء یومئذ بجهنّم»، پرده‌برداری از روی آن باشد.^(۲) چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: «برزت الجحیم لمن یری»^(۳)
- هنگامی که آیه «و جییء یومئذ بجهنّم» نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درهم فرو رفت، به گونه‌ای که هیچکس جرأت سخن گفتن با آن حضرت را نداشت.^(۴)

پیام‌ها:

- ۱- خداوند، انسان را از علاقه شدید به مال و تصاحب حق دیگران باز می‌دارد.
«تحبّون المال - کلاً...»
- ۲- داروی حرص و حب مال، یاد قیامت است. «تأکلون التراث... تحبّون المال... کلاً اذا

۱. تفسیر نورالثقلین. ۲. تفسیر المیزان. ۳. نازعات، ۳۶.

۴. بحار، ج ۱۰۵، ص ۱۰۳.

دکّت الارض

- ۳- قیامت، روز حاکمیت مطلق فرمان الهی است. ﴿جاء ربك﴾
 ۴- رعایت نظم و سلسله مراتب، نمایش دهنده قدرت فرشتگان در قیامت به چشم می خورد. ﴿الملك صفا صفا﴾
 ۵- تذکر و پشیمانی در قیامت سودی ندارد. ﴿وانی له الذکری﴾
 ۶- قیامت، روز هوشیاری و یادآوری است. ﴿یومئذ یتذکر الانسان﴾
 ۷- جهنم، در قیامت ظاهر می شود. ﴿جییء... بجهنم﴾

﴿۲۷﴾ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿۲۸﴾ اَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ

رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿۲۹﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿۳۰﴾ وَأَدْخُلِي جَنَّتِي

(۲۷) هان ای روح آرام یافته! (۲۸) به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او راضی و او از تو راضی است. (۲۹) پس در زمره‌ی بندگان من در آی. (۳۰) و به بهشت من داخل شو!

نکته‌ها:

- دل آرام و نفس مطمئنه، با ذکر خدا به دست می آید. ﴿الا بذكر الله تطمئن القلوب﴾^(۱) و بهترین ذکر خدا نماز است. ﴿اقم الصلوة لذكری﴾^(۲)
- راضی بودن و مرضی بودن، نشانه نفس مطمئنه است که او از خدا راضی است و خدا نیز او را راضی است.
- از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا مؤمن از جان دادن خود راضی است؟ حضرت فرمود: در لحظه اول راضی نیست ولی فرشته قبض روح به او دلداری می دهد که من از پدر به تو مهربان ترم، چشمت را باز کن. او باز می کند و پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر امامان علیهم السلام را می بیند. فرشته می گوید: اینان دوستان تو هستند. مؤمن هم با

.۱ رعد، ۲۸.

.۲ طه، ۱۴.

دیدن این صحنه راضی می‌شود و خطاب «یا ایها النفس المطمئنة» را می‌شنود.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- قیامت روز حسرت است. «یا لیتنی»
- ۲- آرزو کارساز نیست، تلاش لازم است. «یا لیتنی قدّمت»
- ۳- زندگی واقعی و ابدی، زندگی قیامت است. «لحیاتی»
- ۴- خدای رحیم، در جای خود شدید است. «لا یعدّب عذابه احد»
- ۵- در قیامت، امکان فرار از عذاب نیست. «لا یعدّب... لا یوثق»
- ۶- اصالت انسان با روح است و بدن، مرکب آن است. «یا ایها النفس» (خطاب خداوند به نفس است)
- ۷- بهشت بدون یار و همدم، بهشت نیست. «ادخلی فی عبادی»
- ۸- بهشت، انواع و درجات دارد. «جنّات عدن - جنّتی»
- ۹- ممکن است برای کیفرهای خداوند در دنیا مشابهی باشد، اما در آخرت عذاب الهی مشابه ندارد. «فیومئذ لا یعدّب عذابه احد»

«والحمد لله رب العالمین»